

یک پنجره

ما و مفهوم برابری



فائزه طباطبایی
وکیل دادگستری

• اصل ۱۹ قانون اساسی می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

کاری به قانون ندارم، سؤال اینجااست که آیا ما، خودمان، وقتی تنهای تنهایییم، وقتی از بیان نظرم‌ان خجالت نمی‌کشیم و وقتی نقاب نداریم، واقعا از ته قلبمان به این برابری باور داریم؟ وقتی فرزندانم می‌خواهد ازدواج کند؟ وقتی می‌خواهیم یک کارمند استخدام کنیم؟ وقتی از بین کارگران می‌خواهیم یکی را سرکارگر کنیم؟ وقتی برای مدرسه، مدیر یا برای شرکت، مدیرعامل انتخاب می‌کنیم؟ یا موقع انتخاب سرابدار و آبدارچی؟



تجربه نشان داده که ما در مورد قومیت‌ها و نژادها، حتی رنگ پوست‌ها قائل به برابری نیستیم. نگاه کنید وقتی یکی خارجی تابعیت ایرانی می‌گیرد قطور با او برخورد می‌کنیم؟ برخورد ما اگر آن فرد از کشورهای همسایه باشد، خصوصا هم‌زبان، با کسی که رنگ پوستش سفید و چشمانش رنگی است به‌مراتب فرق می‌کند. برخوردمان با رنگین‌پوست‌ها هم با رنگین چشم‌ها متفاوت است.

ما هنوز روی قومیت‌ها پیش‌قضاوت داریم و وقتی کسی با لهجه صحبت می‌کند، آن‌قدر که درگیر لهجه‌اش می‌شویم، درگیر محتوای حرف‌هایش نمی‌شویم.

ما، قوم، قبیله، نژاد و زبان خودمان را برتر می‌دانیم و آن دیگری را خنک، تبیل، بی‌غیرت، خسیس و... می‌نامیم.مفهوم برابری تا بر جان تک‌تکمان ننشیند، در جامعه به‌طور نخواهد رسید، حتی اگر یکی از اصول قانون اساسی باشد.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ • ۱۶ شعبان ۱۴۳۹ • ۳۰ می ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۲۸ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۲ • اذان صبح فردا ۴:۳۵ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



مهدی غریبی

ترامپ برای خودش گواهینامه سلامت پزشکی نوشت



طرح جمع آوری غذاهای سالم و دست نخورده شما از مجالس و میهمانی‌ها جهت رساندن به افراد بی خانمان و نیازمند شهر تهران
شماره تماس
۵۵۷۳۹۹۵۶

یادبود

درک یک پایان

چرا کلاه الفش افتاده یا آن‌یکی کاریکاتور گل‌آقایی نبود یا قبیله آبدارخانه را چرا بالاتر نمی‌کشید یا پایین نمی‌آورید؛ خوانندگان خوبی که یک‌جوری از خود گل‌آقا هم گل‌آقایی‌تر بودند. گروهی هم بودند که تا آن روز یک‌بار هم نه زنگ زده بودند، نه نامه نوشته بودند، نه به آبدارخانه آمده بودند، اما گل‌آقا روزهای خوشی برایشان ساخته بود، آمده بودند تا در وداع این را در گوشش بگویند. از مقامات، اول از همه دکتر حبیبی سروکله‌اش پیدا شد که او هم حالا رخ در خاک کشیده. ابتدای پله‌های آبدارخانه ایستاد، نگاهی به تابلوهای روی جلد هفته‌نامه گل‌آقا کرد که اکثرشان مزین به کاریکاتور چهره خودش بودند و های‌های گریست. بعد از او موجی از مقامات کشوری و لشکری آمدند داخل، همگی باعجله از پله‌های آبدارخانه بالا رفتند و خودشان را به اتاق کار کیومرث صابری رساندند. ده‌ها نفر بودند، از جناح‌های مختلف داخل اتاق فشرده و تنگ کنار هم ایستادند، در سکوت به عکس صابری که همکارانش روی صندلی‌اش گذاشته بودند نگاه کردند و اشک ریختند. چند لحظه بعد همگی با همان عجله و شتاب از پله‌ها پایین آمدند. هم تعدادشان زیاد بود و هم سرعتشان، لاجرم در حین عبورشان تعدادی از تابلوها از دیوار افتاد و وسایلی پرت‌وپلا شدند. همان لحظه ماشین بهشت‌زهر رسید و همه برای وداع آخر به بیرون هجوم بردند. من تنها وسط آبدارخانه ایستاده بودم. به سکوت داخل و همههم بیرون گوش می‌دادم و به تابلوهای شکسته نگاه می‌کردم.

تاریخ در همان لحظه چیزی را به پایان رسانده بود.

برای درک این پایان چندین‌سال زمان لازم بود.

یادداشت

کار داوطلبانه و کمک به طبیعت

۱. یکشنبه آینده، ۱۶ اردیبهشت برابر با ششم ماه می، آغاز هفته کار داوطلبانه است که در ایران و برخی کشورهای جهان برگزار شده و حدود دو دهه قدمت دارد.

زمانه ما بیش از هر دوره تاریخی دیگری دچار انزوا، فردمحوری و مردم‌گریزی شده است؛ اغلب به دنبال منفعت شخصی بوده و مسئولیت اجتماعی هر روز بیشتر از روز دیگر رنگ می‌بازد. چنین است که برای مهار این بحران فزاینده و کاهنده مهر و مروج خشونت و افسردگی، نخبگان جهان چندسالی است پیشنهاد ترویج فرهنگ کار داوطلبانه را داده و فیلم‌سازان نامداری کوشیده‌اند تا آثاری جذاب در این حوزه بیافرینند.

۲. در ایران هم که به‌شدت نرخ فعالیت‌های داوطلبانه حتی به نسبت کشورهای همسایه پایین است، خوشبختانه چندسالی است که حرکت‌های امیدوارکننده‌ای از سوی برخی شهرداری‌ها، تشکل‌های مردم‌نهاد، مدارس طبیعت، رسانه‌ها و پاره‌ای نهاده‌ها در حال انجام است. اینکه کار داوطلبانه چیست؟ چرا می‌تواند به نشاط، حس مفیدبودن و شادابی جامعه کمک کرده، سرمایه اجتماعی را ارتقا داده و روح وندالیسم را از آن بزداید، در شمار مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های ارائه‌شده در این روز است.

۳. نگارنده اما مایل است یک کام به پیش رفته و مصداق‌هایی ملموس، ساده و عملی از کار داوطلبانه ارائه دهد تا دیگر میندایم که وقتی سخن از کار داوطلبانه می‌شود باید لاجرم پزشکی باشد که اعلام کند دو ساعت در روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت به صورت رایگان بیمارانش را ویزیت می‌کند یا وکیلی که از حق وکالت خویش می‌گذرد، نه! همه ما در هر موقعیتی که هستیم، چه یک دانش‌آموز، دانشجوی زن خانه‌دار یا یک سیاست‌مدار، استاد دانشگاه، کشاورز، کارمند بانک، روحانی، قاضی، رفکر شهرداری، گردشگر و... می‌توانیم در این مهم سهم خویش را به‌درستی و سزاوارانه ایفا کنیم.

۴. در حقیقت هر نوع خدمتی که منجر به حفظ سرمایه ملی، کاهش هدررفت آب و انرژی، کاهش تولید زباله، بهبود ترافیک، ارتقای کیفیت هوا، کاهش آلودگی صوتی و نوری، کاهش هزینه‌های درمانی، افزایش نشاط شهروندان و کاهش مصرف پلاستیک شود، نوعی کار محسوب شده و می‌تواند در ۱۶ اردیبهشت جاری در سطحی فراگیرتر به اجرا درآید.

۵. یادمان باشد حتی انصراف داوطلبانه از رانندگی با خودروی شخصی، می‌تواند در هر روز دستکم اکسیژن روزانه ۳۴۵ هم‌نوع ما را تأمین کند. پس اگر ایران، ایرانی و کره زمین را دوست داریم، بیاییم از ۱۶ اردیبهشت و هم‌زمان با مردم نیکوخال جهان آغاز کرده، در هر موقعیتی که هستیم، تا آنجا که می‌توانیم عامل حرکت یک خودروی شخصی نشویم، کیسه پلاستیکی مصرف نکنیم، تا توان داریم تولید زباله و تفکیک آن را مدیریت کرده، رکاب بزیم، پیاده‌روی کنیم، گوشت قرمز نخوریم، در طبیعت آتش نیقروزیم، برای دوطبقه از آسانسور استفاده نکنیم، در مصرف کاغذ صرفه‌جویی کرده، رسید غذایی مطالبه نکرده، حق تقدم را به کهن‌سالان و معلولان داده، مردان با احترام و متانت بیشتری با زنان رفتار کرده، از ادبیات غیربهداشتی در معابر عمومی استفاده نکرده، بیشتر لب‌خند بزیم، سیگار نکشیم، برای نشستن روی صندلی اتوبوس و مترو عجله نکنیم، صف را رعایت کرده، برای تماشای جان‌دادن یک انسان صف نکشیم، با حیات‌وحش مهربان‌تر باشیم و تا جایی که می‌توانیم در مصرف سم و کود شیمیایی امساک به خرج داده، خرید زغال را تحریم کرده، گل‌زنی و کت‌زنی نکنیم و برای حیوانات دام نگسترانیم.

باور کنید با همین کارهای ساده می‌توان روزانه هزاران میلیارد تومان به اقتصاد کشور کمک و فرایندهای کاهنده کارایی سرزمین را مهار کرد و حال خوش مردمان را ارتقا داد.

پیشنهاد

آثار دانشجویی علوم اجتماعی



نخستین سمپوزیم کشوری آثار دانشجویی علوم اجتماعی روزهای ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ۹۷ از ساعت ۹ الی ۲۰ در دانشگاه تربیت‌مدرس برگزار می‌شود. این سمپوزیم با اکران فیلم‌های مستند نیز همراه خواهد بود. محورهای ویژه این سمپوزیم عبارت‌اند از: «مسئله دانشگاه و زندگی دانشجویی»، «دانشگاه و منطق بازار»، «جامعه و میدان دانشگاهی»، «دانشگاه و عرصه سیاست»، «کلاس درس و محیط دانشگاه» و «خوابگاه». علاقه‌مندان برای آگاهی از کنداکتور دقیق و جزئیات برنامه می‌توانند به کانال و سایت سمپوزیم به نشانی socialsymposium.ir مراجعه کنند.



گیتی صفرزاده

۱۴ سال پیش همین روزها بود که با گل‌آقا وداع کردیم. دقیق‌ترش این است که کیومرث صابری روز یازدهم اردیبهشت بر اثر سرطان که کمتر از دو ماه طول کشید، فوت کرد و مراسم تشییعش روز ۱۲ اردیبهشت انجام شد؛ روز معلم؛ یعنی همان شغلی که از روز اول داشت و بسیار دوست می‌داشت.

از صابری در این سال‌ها کم ننوشته‌اند. عده زیادی با تعریف و تمجید، اندکی هم با انتقادی ظریف که پس از جمله معترض آن مرحوم البته... اشاره به خصایص و تفرکات او می‌کرد. حتما بعدها از وجوه بیشتری به او و کارش خواهند پرداخت و منتقدانش هم با جسارت بیشتری خواهند نوشت و عده‌ای هم با استفاده از گذشت زمان شاخ‌وبرگ‌های غریبی به ماجرا اضافه خواهند کرد که البته این آخری را از همین حالا هم شروع کرده‌اند. کسانی هم که را او بیشتر می‌شناختند به سنت مألوف کمتر حرف خواهند زد و پس از مدتی مثل همه شخصیت‌های اجتماعی و تاریخی، تصویر کلیشه‌شده‌ای از او در خاطره جمعی ما باقی خواهد ماند.

من اما دوست دارم از روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۸۳ بنویسم؛ روز تشییع که اتفاقا شنبه آغاز هفته بود و همکاران مثل همیشه به دفتر گل‌آقا آمده بودند و مات

نکته

چگونه معلم‌ها یک میلیون دلاری می‌شوند



ساسان کلفر

تقریباً یک ماه پیش بود که نام خانم آندریا زافیراکو، یک آموزگار بریتانیایی، به‌عنوان برنده جایزه «یک میلیون دلاری» بهترین معلم دنیا اعلام شد. این خانم معلم

یونانی‌تبار ساکن یکی از فقیرترین محله‌های شمال لندن، در چهارمین مراسم معلم برتر جهان که در دویی برگزار شد، جایزه بنیاد وارکی را دریافت کرد که یک مؤسسه خیریه جهانی است و سانی وارکی، تاجر و کارآفرین هندی‌تبار ساکن دویی، آن را بنیان‌گذاری کرده تا بر بهبود استانداردهای آموزش برای کودکان فقیر متمرکز شود. بنیاد وارکی قصد دارد ده‌ها هزار معلم و مدرس را در کشورهای درحال‌توسعه آموزش بدهد و امکانات آموزشی را برای کمک به توسعه سیاست‌های آموزشی در سراسر جهان فراهم کند، اما اینکه چرا این خانم معلم خاص یک میلیون دلاری شد هم نکته‌ای بود. درواقع ویژگی‌هایی در او بود که باعث می‌شد در میان همه معلمان خاص و بزرگوار، حتی خاص‌تر هم باشد. آندریا زافیراکو که معلم هنر و منسوجات است، ضمن مصاحبه‌ای با یورونیوز گفته که خود را مادر ۴۰۰ دانش‌آموز می‌داند. محله برنت که او در آن تدریس می‌کند، پر از خانواده‌های پرجمعیت و فقیر است که کودکانشان به چنین معلم-مادری نیاز دارند. از جمله خصوصیات شخصی این معلم آن بوده که توانایی عجیبی در زبان داشته است. آندریا زافیراکو می‌تواند به ۳۵ زبان صحبت کند و همین ویژگی سبب شده است که بتواند با والدین کودکان مهاجری که در مدرسه او درس می‌خوانند، از هر زبان و هر نژادی ارتباط برقرار کند. البته این به نظرش کافی نیست، چون در محله برنت به ۱۳۰ زبان مختلف صحبت می‌شود و بنابراین او برای بیشتر ارتباط برقرارکردن با شاگردان و خانواده‌هایشان از جمله عباراتی پایه از زبان‌هایی مانند هیندی، گوجراتی و تامیل را نیز به کار می‌گیرد. خانم زافیراکو برای تدریس خود روش خاصی هم دارد. چون در دوران تدریس دریافت‌ه که یک سیستم آموزشی واحد برای همه دانش‌آموزان مناسب نیست، به طراحی یک سیستم آموزش از پایه پرداخته است که با تنوع کودکانی که در کلاس دارد، هماهنگی بیشتری داشته باشد.

او معتقد است که مدارس باید دانش‌آموزان را برای مشاغل آینده‌شان آماده کنند و برای این منظور باید سیستم آموزشی را بر اساس توانایی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی هر فرد طراحی کنند. خانم زافیراکو اولین آموزگار بریتانیایی است که برنده این جایزه شده. به نوشته گاردین، این معلم موقعی که خبر برنده‌شدنش را شنید، بعد از اظهار تعجب و ناباوری گفت که «معلم‌ها در بریتانیا کار بسیار دشوار و طاقت‌فرسایی دارند» و افزود که «این جایزه به همه ما تعلق دارد».

بعد که از او پرسیدند با پول این جایزه چه می‌خواهد بکند، گفت: «می‌خواهم یک مقدار صبر کنم و فکر کنم، ولی به نظرم عالی می‌شود اگر بتوانم راهی پیدا کنم که در مدرسه ما و اجتماع مربوط به آن به هنر حتی بیشتر از قبل پرداخته شود». خانم معلم در ادامه صحبتش خواستار حمایت بیشتر از «قدرت هنر» شد و گفت مدارس می‌توانند با تشویق کودکان به خلاقیت بیشتر، تغییر مثبتی در زندگی کودکان ایجاد کنند. «من این را به چشم دیده‌ام که هنر چگونه برای ارتباط برقرارکردن به کودکان کمک می‌کند. هنر کمک می‌کند بچه‌ها اعتمادبه‌نفسشان خیلی بالا برود و جوانان فوق‌العاده‌ای می‌سازد. بنیاد وارکی از سال ۲۰۱۴ میلادی برنامه‌ای با عنوان جایزه معلم سالانه به راه انداخته و برندگان جایزه یک میلیون دلاری آن از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ به‌ترتیب نانسی اتول از ایالات متحده، خان الحروب از فلسطین و مگی مک‌دائل از کانادا و به‌این‌ترتیب هر چهار برنده‌اش تا این زمان خانم معلم‌ها بوده‌اند. امسال ۳۰ هزار نفر برای دریافت عنوان بهترین معلم سال نامزد شدند که از میان آنها ۱۰ نفر به مرحله نهایی رسیدند. در مراسم اهدای جایزه سال ۲۰۱۸ لوئیس هیملتون، قهرمان چهار دوره مسابقات فرمول‌یک جهان، ال گور، معاون رئیس‌جمهور اسبق آمریکا و تونی بلر، نخست‌وزیر اسبق بریتانیا، در میان میهمانان مراسم بودند. سایر معلمان فهرست نهایی نامزدهای جایزه ۲۰۱۸ بهترین معلم بنیاد وارکی عبارت بودند از: نورتن اکویس از ترکیه، بنیان‌گذار پروژه «بابا، برایم قصه بگو»، مارجرى براون از آفریقای جنوبی، رئیس یک برنامه سوادآموزی ملی کودکان فقیر، لوئیس میگوئل برمودس کوتیرس از کلمبیا، پیشاتاز تغییرات برنامه درسی و افزودن مواد درسی مهم و ضروری در کشورش، خسوس اینسلیلادا از فیلیپین، پیشتاز روش‌های آموزشی مبتنی‌بر تکرر فرهنگی و حقوق اقوام بومی، گلن لین از ایالات متحده، مهندس سابق برق و رواج‌دهنده برنامه‌های درسی روایتیک، دیه‌گو محفوظ فاریا لیما از برزیل، برای تقویت مدارس در محله‌های جرم‌خیز، کوئن تیمرز از بلژیک به‌خاطر برنامه‌های تجهیز هوشمند مدارس برای پناهندگان، ادی وو از استرالیا، معلم ریاضیاتی که کانال ویدئویی Woo Tube را برای آموزش صدها هزار نفر در سراسر جهان به راه انداخت و باربارا زیلونکا از نروژ، معلم زبان انگلیسی که برنامه‌هایی با استفاده از فناوری دیجیتال برای تقویت خلاقیت دانش‌آموزان ابداع کرد.